

تایید فروش تسلیحات اسراییلی به عربستان و قطر، معادله‌ای جدید در خاورمیانه رقم زد؛

عادی سازی پنهان در سایه همکاری امنیتی



رامین برنو

قرار داده‌اند. همچنین گزارش‌هایی درباره تجهیز هواپیماهای ویژه خاندان حاکم قطر به سامانه ضد موشکی «سی میوزیک» و مشارکت شرکت‌های اسرائیلی در پروژه جنگنده‌های اف-۱۵ قطر منتشر شده است؛موضوعی که نشان می‌دهد همکاری امنیتی میان طرفین از مرحله ارتباطات محدود عبور کرده و وارد همکاری‌های عملیاتی شده‌است.

امنیت: حلقه اتصال تل آویو، ریاض ودوحه
این پرسش مطرح است که چرا عربستان و قطر با وجود نداشتن روابط سیاسی رسمی با اسرائیل، به خرید دیپلماتیک رسمی گسترش یافته‌است.

بر اساس گزارش رسانه‌های اسرائیلی، شرکت‌های دفاعی «لیبت سیستمز» و «صنایع هوافضای اسرائیل» در سال‌های اخیر تجهیزات پیشرفته دفاع موشکی، سامانه‌های حفاظت از هواپیماهای ویژه، کلاه‌های هوشمند خلبانی، سامانه‌های دیددر شب و قطعات مورد نیاز جنگنده‌های اف-۱۵ را از طریق قراردادهای مستقیم یا غیرمستقیم در اختیار عربستان و قطر

دفاع موشکی، جنگ الکترونیک و سامانه‌های هشدار سریع تبدیل شده و نواسته جایگاه ویژه‌ای در بازار جهانی صنایع دفاعی به‌دست آورد. برای ریاض و دوحه، دسترسی به این فناوری‌ها بیش از آنکه یک انتخاب سیاسی باشد، ضرورتی امنیتی محسوب می‌شود. این دو کشور تلاش دارند توان تعمیر، آموزش، به‌روزرسانی نرم‌افزارها و آنکه‌وارد روند رسمی عادی‌سازی شوند. به همین دلیل بخش عمده این همکاری‌ها از

پاسخ‌ر باید در تغییر محیط امنیتی خاورمیانه جست‌وجو کرد. طی سال‌های اخیر تهدیدهای ناشی از حملات موشکی، پهنادی و جنگ‌های ترکیبی، کشورهای حوزه خلیج فارس را به سمت تقویت سامانه‌های دفاع هوایی سوق داده‌است. اسرائیل نیز طی دو دهه گذشته به یکی از پیشرفته‌ترین تولیدکنندگان فناوری‌های

سیاسی و نظامی در جهان است. با توجه به این واقعیت‌ها، همکاری‌های امنیتی بین این دو کشور به یک امر طبیعی و اجتناب‌ناپذیر تبدیل شده است. در حالی که اسرائیل به‌عنوان یکی از قدرتمندترین کشورهای منطقه شناخته می‌شود، عربستان و قطر نیز به‌عنوان دو کشور با نفوذ و نفوذ فزاینده در منطقه خلیج فارس شناخته می‌شوند. این دو کشور به‌عنوان دو کشور با نفوذ فزاینده در منطقه خلیج فارس شناخته می‌شوند. این دو کشور به‌عنوان دو کشور با نفوذ فزاینده در منطقه خلیج فارس شناخته می‌شوند.

و حماس، تلاش کرده تصویر خود را به عنوان حامی آرمان فلسطین حفظ کند. با این حال، واقعیت‌های امنیتی باعث شده این کشور ه‌امیان همکاری دفاعی و روابط سیاسی تفکیک قائل شوند. از نگاه آنها، خرید تجهیزات دفاعی به معنای پذیرش کامل اسرائیل نیست، بلکه ابزاری برای حفظ امنیت ملی است.

عامل دیگر، کاهش اعتماد کشورهای عربی به تضمین‌های امنیتی آمریکا است. تحولات سال‌های اخیر نشان داده‌اشنگتن دیگر مانند گذشته حاضر نیست هزینه کامل دفع‌از متحدان خود را بپردازد. همین مسئله کشورهای شورای همکاری خلیج فارس را به سمت تنوع‌بخشی به شرکای امنیتی سوق داده است. اسرائیل نیز با برخورداری از فناوری پیشرفته و نفوذ گسترده در ساختار سیاسی آمریکا، به گز پنهانی جذاب برای برخی دولت‌های عربی تبدیل شده‌است.

باز آرای امنیت خلیج فارس؛ همکاری با شکاف؟

در میان کشورهای عربی، نگاه واحدی نسبت به اسرائیل وجود ندارد. امارات و بحرین پس از پیمان ابراهیم همکاری‌های امنیتی خود را به شکل قابل توجهی توسعه داده‌اند و حتی گزارش‌هایی از استقرار سامانه‌های دفاعی اسرائیلی در امارات منتشر شده‌است. در مقابل، عمان همچنان با احتیاط به این روند می‌نگرد و اسرائیل را یکی از عوامل بی‌ثباتی منطقه می‌داند. عربستان و قطر نیز در موقعیتی میانه قرار

از سوی دیگر، اسرائیل نیز فروش تسلیحات را صرفاً یک معامله اقتصادی نمی‌داند. صادرات تجهیزات دفاعی، وابستگی بلندمدت ایجاد می‌کند؛ زیرا تعمیر، آموزش، به‌روزرسانی نرم‌افزارها و تأمین قطعات پدکی سال‌ها دامه پیدا می‌کند. بنابراین تل آویو با توسعه صادرات دفاعی، شبکه‌ای از وابستگی امنیتی در منطقه ایجاد می‌کند که می‌تواند زمینه‌ساز همکاری‌های اطلاعاتی و سیاسی گسترده باشد.

عربستان و قطر تلاش دارند توان باز دارندگی خود را افزایش دهند، بدون آنکه وارد روند رسمی عادی سازی شوند. به همین دلیل بخش عمده همکاری آنها با اسرائیل از مسیر شرکت‌های آمریکایی، با قراردادهای مشترک با بویونینگ کار شده است. این دو کشور به‌عنوان دو کشور با نفوذ فزاینده در منطقه خلیج فارس شناخته می‌شوند. این دو کشور به‌عنوان دو کشور با نفوذ فزاینده در منطقه خلیج فارس شناخته می‌شوند.

گرفته‌اند؛ آنها از یک سو به فناوری‌های اسرائیلی نیاز دارند و از سوی دیگر، ملاحظات سیاسی و افکار عمومی مانع از عادی‌سازی رسمی روابط می‌شود. کویت نیز همچنان نسبت به هر گونه عادی‌سازی محتاط است، هر چند برخی تحلیلگران احتمال تغییر تدریجی رویکرد این کشور را منتفی نمی‌دانند.

فروش تسلیحات اسرائیل به عربستان و قطر می‌تواند پیامدهای مهمی برای آینده امنیت منطقه داشته باشد. نخست آنکه وابستگی فنی و عملیاتی کشورهای عربی به صنایع دفاعی اسرائیل افزایش خواهد یافت و این موضوع زمینه همکاری‌های اطلاعاتی و نظامی گسترده‌تر را فراهم می‌کند و بدون شک دامه‌این روند متوجه سایر کشورهای عربی مانند کویت، اردن، عمان نیز خواهد شد.

دوم آنکه اسرائیل به تدریج از یک بازیگر صرفاً سیاسی به یکی از ارکان معماری امنیتی خلیج فارس تبدیل می‌شود؛ موضوعی که می‌تواند موازنه قدرت منطقه را دستخوش تغییر کند.

در مقابل، این روند احتمالاً شکاف‌های سیاسی در جهان عرب را نیز عمیق‌تر خواهد کرد. بخشی از افکار عمومی عرب همچنان هر گونه همکاری با اسرائیل را تا زمان حل مسئله فلسطین مورد می‌داند و دولت‌هایی مانند عمان همچنان نسبت به گسترش نفوذ امنیتی تل آویو هشدار می‌دهند. با این حال، به نظر می‌رسد واقع‌گرایی امنیتی در بسیاری از پایتخت‌های عربی بر ملاحظات ایدئولوژیک غلبه کرده است. و احتمال دارد که به زودی وضعیت به سمتی برود که رسانه‌ها اخباری از این دسته را بیشتر به بیرون درز بدهند.

در مجموع، اگرچه عربستان و قطر هنوز وارد عادی‌سازی رسمی روابط با اسرائیل نشده‌اند، اما همکاری‌های دفاعی و امنیتی نشان می‌دهد که نظم امنیتی جدیدی در خلیج فارس در حال شکل‌گیری است؛ نظمی که در آن اسرائیل تلاش می‌کند با تکیه بر فناوری نظامی، صادرات تسلیحات و همکاری‌های اطلاعاتی، جایگاه خود را به عنوان یکی از شرکای امنیتی کشورهای عربی تثبیت کند. استعمار این روند می‌تواند در سال‌های آینده، معادلات ژئوپلیتیکی خاورمیانه را بیش از پیش تحت تأثیر قرار دهد و تعریف تازه‌ای از ائتلاف‌ها و موازنه قدرت در منطقه ارائه کند.

خبر

به اتهام فساد مالی انجام شد؛

بازداشت ده‌ها مقام ارشد و نماینده پارلمان در عراق



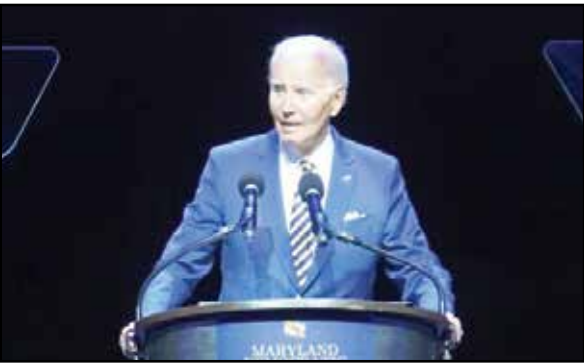
منابع سیاسی و امنیتی عراقی اعلام کردند در یک کمپین گسترده توسط نیروهای دستگاه ضد تروریسم و یگان عملیات ویژه مرتبط با علی الزیدی، نخست‌وزیر عراق، دست‌کم ۲۰ سیاستمدار و نماینده پارلمان و مسئول در دولت سابق عراق طی ساعات گذشته بازداشت شدند. طبق گزارش‌العربی‌الجدید، نیروهای امنیتی صبح دیروز (یکشنبه) ورودی‌های منطقه سبز بغداد را ایستد و مانع تردد شدند. این کمپین با حمله به کاخ‌ها و منازل سیاستمداران، مسئولان و نمایندگان پارلمان آغاز شد. از جمله بازداشت‌شدگان مسئولان برجسته

علی معراج، معاون سابق وزیر نفت عراق و نیز حسن الخفاجی و ابراهیم الصمدی، بهاء النوری، مضار الکرای و محمد الکربولی، مثنی السامرای و عالیه نصیف رایه اتهام فساد دستگیر کردند. مثنی السامرای، رئیس ۱۹ عضو بلوک پارلمانی عراق، به‌اتهام فساد بازداشت شده‌است. علاء سکر نماینده مجلس نیز از دیگر بازداشت‌شدگان به‌اتهام فساد مالی است. یک منبع امنیتی برجسته در بغداد اعلام کرد این کمپین در راستای تعهدات دولتی برای مقابله با فساد صورت گرفت و تأثیری در روند سیاسی با ثبات کشور ندارد. خودروهایی رزهی عراق برای نخستین بار در ورودی‌های منطقه سبز دیده شدند و نیروهای عراقی در مناطق الصالحیه، الکراده، المنصور و القادسیه در مرکز بغداد مستقر شدند. احمد الطائی، فعال سیاسی عراقی گفت: کمپین کنونی در صورتی که رهبر سیاسی، یک نماینده زن پارلمان و یک وزیر سابق هستند. این بزرگترین کمپین ضد فساد در عراق محسوب می‌شود. نیروهای امنیتی مشترک، سارمان و محمد الصیهو، همچنین

خبر

بایدن:

ترامپ مایه شرمساری آمریکا ست



جو بایدن، رئیس‌جمهور دموکرات پیشین آمریکا در سخنرانی در گردهمایی سالانه شاخه حزب دموکرات در ایالت مریلند با عنوان «مقابله کن و پیروز شو» به‌شدت علیه دونالد ترامپ و دولتش موضع‌گیری کرد و خواستار استنادگی دموکرات‌ها در برابر سیاست‌های وی شد. به گزارش وبسایت «مریلند مترو»، بایدن در سخنرانی ۱۰ دقیقه‌ای خود که در محل سالی در شهر هانوفر ایالت مریلند و با حضور مقامات ارشد ایالتی از جمله «وس مور» فرماندار و «ارونا میلر» معاون فرماندار مریلند برگزار شد، ترامپ را به فساد گسترده

توافق سئول و توکیو برای تعمیق همکاری نظامی



شینجیرو کویزومی، وزیر دفاع ژاپن در سفر به سئول با همتای کره‌ای خود در زمینه تعمیق همکاری‌های نظامی و شینجیرو کویزومی، همتای ژاپنی او که به سئول سفر کرده بود، حاصل شد. کویزومی برای سفری دو روزه وارد پایتخت کره جنوبی شد و اولین نخستین سفر او به عنوان وزیر دفاع بود و در حالی انجام شده‌است که دو طرف در پی تقویت همکاری‌های دفاعی با

همپه‌د روابط دو جانبه هستند. در بیانیه مطبوعاتی مشترک وزرای دفاع دو کشور که پس از مذاکرات آن‌ها منتشر شده، آمده است: «دو طرف توافق کردند که به پیشبرد تبادلات و همکاری میان تیم‌های آکروچت (عملیات آکروباتیک هوایی) دو کشور- عقاب‌های سیاه کره جنوبی و ایمپالس آبی ژاپن- ادامه دهند». همچنین در این بیانیه مطرح شد: «آن‌ها توافق کردند که تمرینات جست‌وجو و نجات را برای موارد اضطراری دریایی مختلف بیشتر توسعه دهند و برای همکاری بیشتر در زمینه‌های پیشرفته علمی و فناوری، از جمله هوش مصنوعی، تلاش کنند.» دو طرف همچنین بر تعهد خود به خلع سلاح کامل هسته‌ای شبه جزیره کره و برقراری صلح پایدار در منطقه تأکید کردند. اوایل این ماه، دو کشور روزمایش مشترک جست‌وجو و نجات دریایی خود را برای نخستین بار در ۹ سال اخیر از سر گرفتند.

جهان نما

المیادین تحلیل کرد:

نقش جدید سوریه در بازی امنیتی منطقه

شبکه خبری المیادین در تحلیلی نوشت: دمشق به خوبی می‌داند که ثبات سوریه به ثبات محیط منطقه‌ای آن مرتبط است. هر گونه جنگ یا تشدید تنش جدید در لبنان یا فلسطین، به ویژه با توجه به ضعف ساختار نظامی سوریه، تأثیر مستقیمی بر فضای داخلی شکننده‌وزاهم گسیخته‌سوریه خواهد داشت. به محض اینکه ایالات متحده و اسرائیل جنگ خود علیه ایران را آغاز کردند، نگرانی عمیقی در دمشق حاکم شد. این نگرانی سوریه‌ناشی از موضع‌گیری ایدئولوژیک نسبت به جنگ نبود، بلکه از درک فاطعی سرچشمه می‌گرفت که سوریه در صورت «فروپاشی ایران» یا حتی عقب‌نشینی استراتژیک آن، اولین قربانی در مسیر پروژه «اسرائیل بزرگ» خواهد بود که از فرات تا نیل امتداد دارد. با پیشرفت جنگ و آغاز شفاف شدن خطوط کلی مذاکرات که شروط ایران را در کانون توجه قرار داد، نشانه‌هایی از هماهنگی منطقه‌ای سابقه‌پیدا شد که در اظهارات احمدالشرع، رئیس دولت موقت سوریه، تجلی یافت و راه را برای مرحله‌ای جدید در روابط میان دمشق، تهران و بیروت گشود. در محافل سیاسی سوریه، ارزیابی غالب این بود که نبرد ایران صرفاً یک جنگ منطقه‌ای گذرانیست، بلکه جنگی وجودی به معنای کامل کلمه‌است. فروپاشی ایران از پیامد غیر قابل انکار داشت: نخست، فروپاشی نظام سیاسی جدید سوریه که هنوز نهادهای خود را به‌طور کامل بنا نکرده بود؛ دوم، فروپاشی سوریه زیر پای ارتش اسرائیل که راه را برای تحقق اهداف توسعه‌طلبانه‌اش هموار می‌کند. همین نگرانی وجودی بود که دمشق را به اتخاذ مواضعی متعادل و محتاطانه در قبال جنگ واداشت. از یک سو، سوریه به تلاش کرد از ورود مستقیم به میدان نبرد برهیز کند و تأکید داشت که قصد مداخله نظامی در لبنان یا مشارکت در رویارویی با حزب‌الله انبار داد. سوی دیگر، سعی کرد خود را در موقعیتی میانجی قرار دهد تا بتواند بر روند تحولات تأثیر بگذارد؛ اقدامی که در اظهارات اخیر احمدالشرع نمود پیدا کرد. احمدالشرع در یک مصاحبه تلویزیونی اخیر دیدگاه جدیدی درباره رابطه با لبنان و حزب‌الله ارائه‌داد و بیان کرد: «اگر گفت‌وگو با حزب‌الله در راستای منافع لبنان و منافع سوریه باشد، چرا نباید انجام شود؟»



وی تأکید کرد که سوریه به اندازه کافی شجاعت دارد تا در صورت تصمیم‌گیری، ورود خود به هر گونه درگیری یا جنگ را به‌صورت علنی اعلام کند. اما نقش سوریه در لبنان «قشقی کاملاً مثبت» است که بر اساس منافع مشترک بین دو کشور و به‌نوعی که در ثبات لبنان و سوریه به یک اندازه مهم داد، تعریف می‌شود. این اظهارات از جایی سرچشمه گرفته‌است. نخستین نشانه‌های این رویکرد در لحظه فروپاشی نظام سابق ظاهر شد، زمانی که چهار کانون اصلی (دمشق، تهران، آنکارا و بیروت-ضاحیه) در قبال هر موضع منفی از سوی هر طرفی سکوت پیشه کردند که نشانه روشنی از یک‌اجماع اعلام‌نشده در آماده‌سازی برای رویارویی بزرگ آینده بود. این اجماع در طول جنگ تبلور بیشتری یافت، به طوری که هماهنگی میان آنکارا و تهران به‌سطحی از اتحاد اعلام‌نشده رسید که ناشی از تهدید وجودی مشترک برای هر دو کشور از سوی پروژه توسعه‌طلبانه اسرائیل بود. این هماهنگی در جنبه‌های نظامی و امنیتی با ضرورت جلوگیری از شکست مقاومتی که در جنوب لبنان برای شکستن طمع ورزی‌های اسرائیلی به آن تکیه می‌شد، تجلی یافت. اقدامی که نیازمند حمایت از آن و برکردن شکاف‌های امنیتی و نظامی گذشته بود؛ اولین امر بدون همکاری دمشق که کنترل خود را بر گذرگاه‌ها و رزها به‌عنوان مرحله اول محکم کرده‌است و ساختن مقاومت در جنوب سوریه که سرع‌ت تجزیه اسرائیل را افزایش می‌دهد، امکان‌پذیر نخواهد بود. نکته قابل توجه در رویکردالشرع این است که وی مشارکت پیشین حزب‌الله در سوریه را «مداخله‌ای نادرست» توصیف کرد، اما در عین حال عدم مخالفت خود را با نشستن با این حزب بر سر میز مذاکره ابراز داشت. این موضع بازتاب‌دهنده تمایل دمشق به بستن صفحه گذشته و حرکت به سوی آینده‌است، با این درک که خطر واقعی و وجودی نه از تهران و نه از آنکارا، بلکه از «تل آویو» سرچشمه می‌گیرد. با نزدیک شدن جنگ به مراحل پایانی و ورود آن به مرحله مذاکرات مطابق با شروط ایران، به نظر می‌رسد که منطقه غرب آسیا در معرض تحولات ریشه‌ای در نقشه‌های ژئوپلیتیکی خود قرار دارد. مرزهایی که غرب پس از جنگ جهانی اول ترسیم کرد منطقه را به ایالت‌های کوچک تقسیم کرد؛ اکنون پرسش و تردید جدی در این باره به وجود آمده است؛ چراکه متغیرهای جدید، لزوم بازنگری در تمامی معادلات قدیمی را تحمیل می‌کنند

شمار قربانیان دو زمین لرزه ونزوئلا به بیش از ۱۴۰۰ نفر رسید



خورد، رودرنگر، رئیس مجلس ملی ونزوئلا، اعلام کرد دو زلزله پرت قدرتی که اخیراً در این کشور رخ داد، تاکنون ۱۴۲۰ قربانی و بیش از سه هزار زخمی بر جای گذاشته‌است. به گفته او دو زمین‌لرزه ۷.۲ و ۷.۵ ریشتری که روز چهارشنبه ۲۴ ژوئن (۳ تیر) بافاصله زمانی کوتاه از یکدیگر رخ دادند، تاکنون با ۳۳۰ پس‌لرزه همراه بوده‌است. سازمان ملل متحد خسارات مادی وارده آمده این زمین‌لرزه‌ها را بیش از ۶.۵ میلیارد دلار تخمین زده‌است که بالغ بر حدودش در صد تولید ناخالص داخلی این کشور می‌شود. اتحادیه اروپا پنج میلیون یورو کمک اضطراری برای حمایت از آسیب‌دیدگان اختصاص داده است و کایا کالاس، مسئول سیاست خارجی این اتحادیه گفته‌است اتحادیه اروپا از طریق سازمانه‌ماهورهای «کوپرنیک» و زیرو‌های امداد و نجات حاضر در مناطق زلزله‌زده پشتیبانی خواهد کرد. عملیات نجات قربانیان در ونزوئلا همچنان ادامه دارد. بر اساس گزارش‌ها حدود ۵۰ هزار نفر همچنان مفقود هستند و امید سازمان‌های امدادرسانی برای یافتن افراد زنده در زیر آوار‌ها رفته‌رفته در حال کاهش است. بسیاری از خانواده‌ها بدون خالی در میان آواربه دنبال بازماندگان واجساد عزیزانشان هستند. همچنین بیم‌ان‌می‌رود که میلیون‌ها نفر به خدمات بهداشتی و دیگر نیازهای اولیه زندگی دسترسی نداشته باشند. بنابر گزارش‌ها خدمات برق و شبکه تلفن همراه در مناطق آسیب‌دیده هنوز به‌طور کامل برقرار نشده‌است و بسیاری از خانواده‌ها همچنان آواره و بدون سر پناه هستند.